**باسمه تعالی**

**جشنواره ی ملی تجربه های موفق مدارس**

**شناسنامه ی اثر**

1-مشخصات مدرسه

نام مدرسه : دبستان هیات امنایی فدک دخترانه

استان : قزوین شهر : قزوین منطقه/ ناحیه 2

دوره ی تحصیلی : دوره ی دوم ابتدایی

2- مشخصات همکاران

نام مجری اصلی : گیتی رحمانی

نام سایر همکاران : زهرا برزآبادی فراهانی – معصومه هادیزاده نان فروشها – ساناز مرادی

شماره تماس : 09127837684

نشانی ایمیل : gity.rahmani@gmail.com

3**- مشخصات تجربه ی موفق**

3-1 . عنوان تجربه : چگونه توانستم به صورت غیرمستقیم به اولیا و دانش آموزان بیاموزم که به جای مقایسه کردن همسالان ، از تفاوت ها در جهت رشد و شکوفایی بهره ببرند.

3-2 . حیطه مرتبط تجربه : فرایند آموزش

آیا فقط در یک حیطه شرکت کرده اید ؟ بله

3-3 . مخاطبان این تجربه :همکاران فرهنگی ، اولیا و دانش آموزان

3-4 . طول دوره ی اجرا (زمان شروع و پایان ): 1/8/97 الی 15/12/97

3-5. هدف( اهداف ) تجربه:

1-پرورش استعدادهای نهفته و سرآمد و ایجاد زمینه و ساز و کارهای مناسب جهت رشد و بالندگی آن ها

2- حمایت تربیتی و معنوی دانش آموزان دارای استعداد های خاص به منظور بهره مندی از توانمندی ها و قابلیت های آن ها در جهت تعالی و پیشرفت کشور

**3-6. شرح مختصر تجربه :**

شناخت محدودیت ها و ضعف های دانش آموزان در کنار نقاط قوت و توانایی ها، به خود آگاهی کامل تری منجر می شود که برای دانش آموز دوره ی ابتدایی لازم و ضروری است . او باید بتواند بدون فشار و استرس بخاطر مقایسه شدن یا به دور از هرگونه بزرگنمایی کاذب در مورد توانایی یا کم توانی خود، در هر زمینه شناخت درست و کاملی به دست آورد . با توجه به این موارد ، کارگاههایی برای اولیا و دانش آموزان در کنار هم برگزار شد که در زمینه های مختلف درسی خصوصا درس ریاضی بود که از فواید این کارگاهها این بود که اولیا به همراه فرزندان خود آموزش میدیدند و در آخر هر کارگاه ،همراه فرزندان خود مورد ارزشیابی قرار می گرفتند و تا حدود زیادی متوجه توانایی و یا ضعف فرزند خود در رابطه با همان مبحث تدریس شده می شدند و این موضوع باعث می شد تا در جلسات بعدی حضور پررنگ تری داشته باشند و استعدادهای خاص فرزند خود را بهتر بشناسند . به عنوان مثال اکر دانش آموزی در کارگاه ریاضی در محاسبات ذهنی ضعف دارد در عوض در کارگاه هنر فوق العاده ظاهر می شود . با ادامه دادن این کارگاهها ، اولیا به استعدادهای برتر و خاص فرزندان خود آگاه شدند و دیگر فرزند خود را (به خصوص ) در درس ریاضی با دانش آموز دیگری مقایسه نمی کردند و به تفاوت های فردی هر انسان که منحصر به فرد است به ویژه در مسائل یادگیری و رشد ذهنی پی بردند.

3-7. نتایج به دست آمده، محدودیت های اجرا و آثار تجربه :

نتایج: رضایت اولیا از نتیجه ارزشیابی توصیفی فرزند خود ، ایجاد درک صحیح و شناخت استعدادهای برتر دانش آموزان از طرف معلم و اولیا ، بالندگی و افتخار دانش آموزان به استعدادهای برتر خود

محدودیت های اجرا: به خاطر محدودیت های شغلی اولیای کارمند مجبور به برگزاری این کارگاهها در شیفت بعد ازظهر بودیم.

3-8. فهرست ضمائم و مستندات :

آثار: هویت بخشی به تک تک دانش آموزان و بالا بردن اعتماد به نفس آن ها ، عکس و فیلم

**شرح کامل تجربه :**

**چکیده:**

گسترش آموزه های روان شناسی سلامت و همچنین روان شناسی انسان گرا در دهه های اخیر ، مسائل آموزشی را هم تحت تاثیر قرار داده است . علاوه بر تحولات آموزشی ، تفاوت های فردی و مفاهیم استعداد و هوش و روان شناسی سلامت و نگرش انسانی و بالنده را به تفاوت ها تقویت کرده است . در همه انسان ها هم شباهت وجود دارد هم تفاوت . به طور معمول در فرایند اقدامات تربیتی مدرسه و معلم ، بسیاری از امور کم و بیش طراحی شده، قابل پیش بینی و همگانی است . اما به قول سهراب سپهری که: "چشم ها را باید شست ، جور دیگر باید دید " گاهی باید از این روند عادی بیرون بیاییم و دانش آموزان را بهتر ببینیم ، شناسایی کنیم و به هدایتشان بپردازیم و بدانیم که آن ها متفاوتند و اگر به این تفاوت ها بها داده شود چه بسا مسیر زندگی آن ها تغییر داده شود.

**مقدمه:**

فلسفه ی جدید تربیت ، به تغییر اعتقاد دارد . مدرسه باید برای ایجاد و تقویت عادت های تفکر متفاوت و انتقادی در دانش آموزان بکوشدتا آن ها بتوانند با اوضاع متغیر و جدید زندگی مواجه شوند.

آبراهام مزلو،روان شناسی که از فرانیازها و میل آدمی به رشد و بالندگی سخن می گوید ،اعتقاد دارد انسان کامل کسی است که به بالاترین سطح نیازها دست یابد و در جهت خودشکوفایی قرار گیرد . نیاز به خودشکوفایی در افراد گوناگون متفاوت است و در یک شخص ممکن است به صورت رویاندن یک گیاه جلوه کند و در دیگری به صورت مادر خوبی شدن و... معنای تربیتی این اعتقاد آن است که تفاوت های فردی هر دانش آموز می تواند منشا تحول و پیشرفت او در مسیری خاص باشد که با بقیه فرق دارد.

**بیان مساله :**

مدتی بعد از شروع سال تحصیلی متوجه شدم که در کلاس درس بعضی از دانش آموزان از نظر بعضی دیگر خیلی زرنگ و قوی هستند و عده ای دیگر کندذهن و تنبل.طوری که هرزمان می خواستیم یک سؤال ریاضی حل کنیم دانش آموزان اسم کسانی را که سریع حل می کردند ، می گفتند.تقریبا در اواخر مهرماه دانش آموزانم را از لحاظ خصوصیات اخلاقی تقریبا شناخته بودم ، به این نتیجه رسیدم تکرار بعضی از رفتارها در بین دانش آموزان باعث شده که اعتماد به نفس عده ای به صورت کاذب بالا رفته و اعتاد به نفس عده ای دیگر پایین آمده است و بیشترین ملاک عمل در این کار،درس ریاضی بوده است .طوری که یکی از دانش آموزان به من گفت :"خانم من احساس می کنم که خنگم و هر چه که شما و خانم مرادی درس می دهید را متوجه نمی شوم."در حالیکه او یکی از دانش آموزان سرآمد از نظر هنر، همکاری و اخلاق و هدایت گروه بود .

مدرسه فضایی آکنده از موقعیت ها ، تجربه ها و رویدادهاییست که می تواند تسهیل گر تربیت باشد و یابه سلامت عاطفی دانش آموزان لطمه بزند.با این نگاه برای بهره گیری درست از استعداد ذاتی انسان ، لازم است مدرسه و معلم ،نیاز و توانایی را در دانش آموز برانگیخته کند و رشد دهد تا در مسیر مطلوب،استعدادش شکوفا شود.

**روش کار :**

روزها سپری شد و من سعی کردم با دانش آموزانی که این مشکل را داشتند ارتباط صمیمی تر برقرار کنم و با ابراز محبت و تشویق کلامی ،تاحدودی اعتماد به نفس را در آن ها زنده کنم . بعد از مشورت با مدیر و معاون آموزشی و همکار هم پایه ی خودم، قرار شد تا با اولیای دانش آموزان صحبت کنیم که متاسفانه در بسیاری از موارد اولیا از عملکرد دانش آموز در یک درس ناراضی بوده که آن را ناشی از کم کاری خود شخصی و یا معلم سال قبل می دانستند.

در اینجا بود که تصمیم گرفتیم در پایان هر ماه یک کارگاه آموزشی از دروس مختلف برگزار کنیم.اولین کارگاه به درس ریاضی اختصاص داشت تا استقبال اولیا بیشتر شود.خوشبختانه به جز دونفر،همه در این کارگاه حضور داشتند و در نماز خانه مدرسه در قسمت جلو دانش آموزان و دورتا دور آن اولیا نشسته بودند و بنده دو فصل از ریاضی را که قبلا آموزش داده بودم دوباره در حضور اولیا تدریس کردم این کار 4 ساعت طول کشید و زنگ تفریح نیز داشتیم ودر پایان نیز ارزشیابی از مباحث مطرح شده از دانش آموزان در کنار اولیا به عمل آمد. در این ارزشیابی ،اولیا با نقاط قوت و ضعف فرزند خود آشنا شدند و انگیزه ی اولیا برای شرکت در کارگاههای بعدی بیشتر شد و در خواست کردند تا برای دروس دیگر نیز برگزار شود. برای دروس هنر، فارسی ، مطالعات و علوم نیز این کارگاهها برگزار شد و با استقبال اولیا روبه رو شد . در اینجا بود که اولیا با استعدادهای فرزندان خود آشنا شدند و فقط تکیه به استعداد خاص در درس خاص نکردند و متوجه شدند استعدادهای متفاوتی در انسان ها وجود دارد. با این روش اعتماد به نفس دانش آموزان افزایش پیدا کرد و اولیا با رضایت و شوق روزافزون تا اسفند ماه در این کارگاهها شرکت کردند.

**جمع بندی و نتیجه گیری :**

براساس اقدامات انجام شده ،متوجه شدم که اگر ما معلم ها با اولیا در یک راستا قرار بگیریم می توانیم با شناخت استعدادها و مهارت ها و تفاوت های فردی دانش آموزان به راحتی آینده سازان ایران اسلامی را برای داشتن زندگی موفق در آینده آماده کنیم .

تمام بچه ها تشنه ی محبت،دیده شدن و مورد تشویق قرار گرفتن هستند و ما معلمان که پرچم دار تعلیم و تربیت هستیم علاوه بر آموزش علم باید به بعد تربیت و پرورش روح آن ها نیز باید دقت و توجه داشته باشیم.

**پیشنهادات**

1. آشنا کردن اولیای دانش آموزان به مسائل روحی و نیازهای روانی ،استعدادها و مهارت های دانش آموزان
2. برقراری ارتباط صمیمانه بین اولیای مدرسه و اولیای دانش آموز و خود دانش آموز
3. درس گرفتن از تجربیات تلخ و شیرین انسان های موفق و صحبت از آن ها در کلاس درس
4. هر دانش آموز را به عنوان یک فرد منحصر به خود بدانیم بپذیریم و محترم بشماریم
5. از کاربردهای معنوی و اخلاقی هنر و ادبیات جهت تلطیف محیط و روحیه دانش آموز استفاده شود